

موضوع:	فلسفه بخش ۲	پایه:	۷
تاریخ:	۹۶/۰۲/۲۶	ساعت:	۸

نام کتاب: بدایه المکمه، از اول مرحله هشتم تا پایان کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آفر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی

۱. تقدم اجزای زمان بر یکدیگر از چه نوع تقدمی است؟
 ا. بالطبع ب. بالعلیة ج. بالزمان د. بالحقیقة ۱۴۴
۲. مفیض الصور العقلیة الکلیة
 ا. النفس العاقلة ب. جوهر مثالی مفارق ج. جوهر عقلی مفارق د. المثال المتصل ۱۸۱
۳. علم المعلول بالعلّة
 ا. حصولیّ إذا كانا مجردین ب. حصولیّ إذا كانا مجردین ج. حصولیّ مطلقاً د. حصولیّ مطلقاً ۱۹۰
۴. کدام گزینه در توصیف «مُثل افلاطونیة» صحیح است؟
 ا. عقول طولیة مدبّر عالم مادی ب. عقول عرضیة مدبّر عالم مادی ج. موجودات طولیة مثالیة د. موجودات مثالیة مدبّر عالم ملکوت ۲۱۷

تشریحی

۱. «الوحدة الحقّة» و «الواحد غیر الحقّ» را با مثال تعریف کنید. ۱۲۹
- الواحد الحقیقی إمّا ذات متّصّفة بالوحدة و إمّا ذات هی نفس الوحدة الثانی هی «الوحدة الحقّة» كوحدة الصّرف من کلّ شیء و إذا كانت عین الذات فالواحد و الوحدة فیہ شیء واحد. و الاوّل هو «الواحد غیر الحقّ» كالانسان الواحد.
- * من أحكام التناقض أنّه لا یرج عن حکم النقیضین شیء البتّة و أمّا ما یقال من أنّ النقیضین مرتفعان عن مرتبة الذات کقولنا: الإنسان من حیث إنّہ إنسان لیس بموجود و لا لا موجود فإنّ ذلك لیس بحسب الحقیقة من ارتفاع النقیضین فی شیء بل مآله إلى خروج النقیضین معاً عن مرتبة ذات الشیء فلیس یحدّ الإنسان بأنّه «حیوان ناطق موجود» و لا یحدّ بأنّه «حیوان ناطق معدوم». ۱۳۸
۲. ا. حکم مذکور برای تناقض چیست؟ ب. چرا ارتفاع نقیضین از مرتبة ذات ماهیت، با حکم مذکور مخالف نیست؟
 ا. حکم تناقض این است که از هیچ شیء‌ای، دو طرف نقیضین مرتفع نمی‌شود.
 ب. زیرا معنای ارتفاع نقیضین از مرتبة ذات ماهیت این است که هیچ کدام از دو طرف نقیض در تعریف ماهیت اخذ نشده‌اند، پس در حقیقت چون مورد نظر مرتبة ذات ماهیت است نه مرتبة واقع، ارتفاع وجود و عدم از مرتبة ذات از قبیل ارتفاع نقیضین نیست.
- * القدم الزماني، هو عدم مسبوقیة الشیء بالعدم الزمانيّ کمطلق الزمان الذی لا یتقدّمه زمان و لا زمانيّ، و إنّما ثبت الزمان من حیث انتفی، هذا خلف.
۳. ا. قدم زماني چیست؟ ب. ربط عبارت «و إنّما ثبت الزمان...» را با قبل توضیح دهید. ۱۴۷
 ا. عدم مسبوقیت شیء به عدم زماني را گویند، یعنی این‌طور نیست که زماني قبل از این باشد که این شیء در آن زمان موجود نباشد.
 ب. دلیل بر قدیم زماني نبودن زمان است. اگر زماني باشد که در آن زمان، زمان موجود نباشد لازم می‌آید که در جایی که زمان قرار است منتفی باشد (مرحله متقدم) زمان ثابت باشد و هذا خلف.

* يجب أن يكون موضوع الحركة أمراً ثابتاً تجرى و تتجدّد عليه الحركة و إنّما كان ما بالقوّة غیر ما یرج إلى الفعل، فلم تتحقّق الحركة التی هو خروج الشیء من القوّة إلى الفعل تدريجاً. ۱۵۶

۴. دلیل بر ثابت بودن موضوع حرکت چیست؟ توضیح دهید.

این است که اگر موضوع حرکت ثابت نباشد بلکه همواره مثل خود حرکت در حال تجدد باشد، پس آنچه بالقوه بوده عین موجود بالفعل نخواهد بود، بلکه موجود بالقوه مغایر با موجود بالفعل است و در این صورت دیگر نمی‌توان گفت همان شیء بالقوه تدریجاً به بالفعل تغییر یافت و معنای این سخن نفی حرکت است (زیرا در حرکت این همانی بین مرحله قوه و فعلیت باید محفوظ باشد). در حالی که فرض تحقق حرکت است، لذا باید موضوع ثابت باشد.

* إن السرعة و البطء متقابلان تقابل التضادّ و ذلك لأنّهما وجوديان فليس تقابلهما تقابل التناقض أو العدم و الملكة و ليسا بالمتضائين و إنّنا كانا كلّما ثبت أحدهما ثبت الآخر و ليس كذلك فلم يبق إلّا أن يكونا متضادّين و هو المطلوب. ۱۶۵

۵. چرا تقابل «سرعت» و «کندی» از نوع تضاد است؟

زیرا هر دو، امری وجودی هستند؛ لذا تقابلهما نه تقابل تناقض و نه تقابل عدم و بلکه است؛ چون در این دو تقابل، یکی از متقابلین حتماً امری عدمی است. و همچنین تقابل میان این دو، تقابل تضایف نیز نیست؛ زیرا در تقابل تضایف، متقابلین متکافئین هستند و تحقق یکی، وجود دیگری را به دنبال دارد. در حالی که از سرعت و بطء، یکی می‌تواند بدون دیگری تحقق داشته باشد، پس فقط تقابل تضاد باقی می‌ماند.

۶. علم هر انسان به ذات خود، علم حضوری است یا حصولی؟ چرا؟ ۱۷۴

حضوری؛ زیرا علم حصولی، علم از طریق مفهوم و ماهیت است و مفهوم بما هومفهوم همواره کلی و قابل صدق بر کثیرین است. بنابراین اگر علم انسان به ذات خودش علمی حصولی باشد، باید نتواند تشخیص و عدم انطباق ذات خود بر کثیرین را درک نماید، در حالی که چنین نیست، پس علم او حصولی نیست بلکه حضوری است.

* الحكم من أجزاء القضية الموجبة و هو فعلٌ للنفس، و هو مع ذلك من الصور الذهنيّة الحاكيّة لما وراءها، و لو كان الحكم تصوّراً مأخوذاً من الخارج كانت القضية غير مفيدة لصحة السكوت كما في كلّ من المقدّم و التالي في القضية الشرطيّة، و لو كان تصوّراً أنشأته النفس من عندها من غير استعانة من الخارج لم يحك الخارج. ۱۸۳

۷. أ. حقيقت «حکم» در قضیه چیست؟ ب. ربط عبارت «و لو كان تصوّراً أنشأته...» را با قبل توضیح دهید.

أ. فعل نفس است (اذعان کردن یا عدم اذعان) ولی در عین حال حاکی از خارج نیز هست.

ب. عبارت دلیل بر این است که حکم، صرفاً انشاس نفس بدون جهت حکایت‌گری از خارج نیست؛ زیرا در غیر این صورت دیگر مطابقت یا عدم مطابقت حکم با خارج بی معنا می‌شود؛ چرا که انشای محض، حاکی از خارج نیست.

* لازم کون الصفات الحقيقيّة في الواجب تعالی زائدة حادثة كون الذات المتعالية ذات مادة قابلة للصفات التي تحدث فيها و لازمه تركّب الذات و هو محال و كون الذات خالية في نفسها عن الكمال و هو محال. ۲۰۲

۸. دو اشکال بر نظریه زیادت صفات بر ذات واجب تعالی را توضیح دهید.

۱. ترکب ذات واجب تعالی؛ زیرا لازمه زیادتی صفات این است که در ذات او جهت قبول و فعلیت این صفات هر دو موجود باشد. و مقتضای این حرف ترکب ذات واجب است در حالی که ترکب مستلزم حاجت و خلاف بسیط بودن اوست.
۲. بنابر زیادتی؛ ذات واجب تعالی در مرتبه ذاتش فاقد کمالات و ناقص است و هذا محال.

۹. تفاوت «عالم عقل» و «عالم مثال» و «عالم ماده» را توضیح دهید. ۲۱۴

عالم عقل نه ذات ماده را دارد و نه واجد صفات و آثار ماده (مثل حجم، اندازه، رنگ و ...) است. عالم مثال، ذات ماده را ندارد ولی صفات و آثار ماده را واجد است. عالم ماده هم ذات ماده را دارد و هم واجد صفات و آثار ماده است.